

## جلسه ۳۱ تفسیر سوره مبارکه بقره

حجت الاسلام و المسلمین قاسمیان - ۵شنبه ۱۴ مرداد ۹۵

### فهرست مطالب

۱	فهرست مطالب
۳	* بخش اول - گزارش کوتاه
۴	* بخش دوم - گزیده‌ی پیام‌ها
۵	* بخش سوم - مباحث تفسیری
۵	۱- مقدمه: آیات بنی اسرائیل در قرآن
۵	۱-۱- یک شباهت بی نظیر میان امت پیامبر (ص) و بنی اسرائیل: تشکیل حکومت
۵	۲-۱- تفاوت ویژگی‌های انبیاء
۵	۲- آیه‌ی ۴۶ (الَّذِينَ يظنون ...)
۶	۱-۲- یک عامل کلیدی در تربیت دینی و قرآنی: معادباوری
۶	۳- آیه‌ی ۴۷
۶	۱-۳- از تفضیل بنی اسرائیل بر همه‌ی عالمیان تا سقوط ایشان به بدترین جایگاه‌ها
۶	۲-۳- علت زائل شدن برتری یک امت: از دست رفتن ملاک‌ها
۶	۳-۳- ملاک‌های برتری امت پیامبر
۷	۳-۴- تفسیر دیگری برای «فَضَّلْتُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»: تفضیل بنی اسرائیل در برخی ویژگی‌ها
۷	۳-۴-۱- «فَضَّلَ عَلِيٌّ» شبیه «اصطفی علی»: هر دو به معنی برتری در برخی ویژگی‌ها نه برتری مطلق
۷	۴- آیه‌ی ۴۸ (وَاتَّقُوا يَوْمًا...)
۷	۴-۱- بحث موضوعی: «شفاعت در قرآن»
۸	۴-۱-۱- اندازه و جایگاه شفاعت در قرآن؛ متفاوت از تصور عمومی ما
۸	۴-۱-۲- دسته‌بندی آیات مربوط به شفاعت
۹	۴-۱-۲-۱- دسته‌ی اول: آیات نفی مطلق شفاعت

- ۴-۱-۲-۲-دسته‌ی دوم: آیات نفی قبول شدن یا نفع داشتن شفاعت ..... ۹
- ۴-۱-۲-۳-دسته‌ی سوم: آیات مشروط کردن شفاعت به اذن پروردگار ..... ۹
- ۵-نکته‌ای راجع به فن تفسیر قرآن ..... ۱۰
- ۵-۱-عامل کلیدی در موفقیت پژوهش‌های قرآنی: توجه جدی به جستجوی مفهومی در کنار جستجوی لغوی ..... ۱۰

**آیات اصلی: آیات ۴۶، ۴۷ و ۴۸ بقره**

**سایر آیات: ۳۳ و ۴۲ و ۱۱۰ آل عمران، ۶ و ۷ اعلی، ۱۰۸ هود، ۴۸ مدثر، ۴۸ بقره، ۵۵ مائده.**

**موضوع اصلی: معادباوری، تفضیل بنی اسرائیل، شفاعت.**

**موضوعات فرعی: ویژگی انبیاء، تشکیل حکومت، ملاک برتری امت‌ها، فن تفسیر قرآن.**

## \* بخش اول - گزارش کوتاه

جلسه‌ی این هفته به مدت حدوداً ۱ ساعت و ۴۰ دقیقه در محل مسجد امام رضا (علیه‌السلام) با محوریت آیات ۴۶ تا ۴۸ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره برگزار شد. با توجه به اینکه آیات ۴۶ تا ۴۸ ذیل مجموعه آیات بنی‌اسرائیل در سوره‌ی بقره قرار گرفته، در ابتدای جلسه حجت‌الاسلام قاسمیان مقدمه‌ای را در ارتباط با فضای کلی آیات بنی‌اسرائیل عنوان کردند. در این قسمت، بحث تشکیل حکومت به عنوان یک شباهت بی‌نظیر میان امت پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) و بنی‌اسرائیل - امت حضرت موسی (علیه‌السلام) - معرفی گردید. همچنین به بحث تفاوت ویژگی‌های انبیا پرداخته شد.

در ادامه، ابتدا آیه‌ی ۴۶ (الَّذِينَ يظنون ...) مورد بحث قرار گرفت و ضمن آن، توضیحاتی درباره‌ی معادباوری، به عنوان یک عنصر کلیدی در تربیت دینی و قرآنی، داده شد. در آیه‌ی ۴۷ (بینی‌اسرائیل اذکروا ...)، سخن از سیر صعود و نزول بنی‌اسرائیل، از تفضیل آنها بر همه‌ی عالمیان تا سقوط ایشان به بدترین جایگاه‌ها، به میان آمد و در ضمن آن، بحث از دست رفتن ملاک‌های فضیلت، علت مهم سقوط و زائل شدن برتری یک امت معرفی گردید. همچنین تفسیر دومی برای عبارت «فضلنکم علی‌العالمین» ارائه شد که بر اساس آن، تفضیل بنی‌اسرائیل نه به صورت مطلق بلکه تنها در برخی ویژگی‌ها مورد نظر قرار می‌گیرد (با توجه به شباهت «فضل علی» به «اصطفی علی» و بحث تفسیری مربوطه).

با ورود به آیه‌ی ۴۸ (واتقوا یوماً ...)، ضمن اشاره به بحث قیامت و اینکه در آنجا کسی باری از دوش کسی بر نمی‌دارد، یک بحث موضوعی با عنوان «شفاعت در قرآن» آغاز شد که بخش‌هایی از آن در این جلسه مطرح و ادامه‌ی بحث به جلسات آتی موکول گردید. در ضمن بحث شفاعت، ابتدا به موضوع اندازه و جایگاه شفاعت در قرآن پرداخته شد و با ذکر توضیحات دقیقی، این جایگاه متفاوت از تصور عمومی ما شیعیان ترسیم گردید. در ادامه، یک دسته‌بندی بر روی آیات مربوط به شفاعت ارائه و بر اساس آن سه دسته از آیات معرفی شد: دسته‌ی اول، آیات نفی مطلق شفاعت؛ دسته‌ی دوم، آیات نفی قبول شدن یا نفع رساندن شفاعت و دسته‌ی سوم، آیات مشروط کردن شفاعت به اذن پروردگار.

در انتهای جلسه، حجت‌الاسلام قاسمیان حدود ۲۰ دقیقه به ارائه‌ی گزارشی از سفر تبلیغی اخیرشان به کشور تایلند پرداختند و ضمن تأکید بر مسئول بودن همه‌ی ما در قبال اتفاقاتی که در دنیا و مخصوصاً در ارتباط با مسلمانان می‌افتد، بر انجام حرکت‌های خودجوش جهادی و انقلابی در این زمینه‌ها تأکید ورزیدند. این جلسه، مصادف بود با ایام ولادت حضرت فاطمه‌ی معصومه (سلام‌الله علیها). در این جلسه، برای اولین بار برنامه‌ی پخش زنده‌ی کلاس از طریق اینترنت اجرا شده و با استقبال مخاطبان مواجه گردید.

## \* بخش دوم - گزیده‌ی پیام‌ها

- یک شباهت بی‌نظیر میان امت پیامبر (ص) و بنی‌اسرائیل: از بین همه‌ی انبیاء گذشته، حضرت موسی (ع) تنها پیامبری است که موفق به تشکیل حکومت شده است. لذا قرابت و شباهت ما به بنی‌اسرائیل از نظر بحث تشکیل حکومت، بی‌نظیر است.
- آیه‌ی ۴۶ بقره - یک عامل کلیدی در تربیت دینی و قرآنی: معادباوری و امید داشتن به ملاقات پروردگار جزو عامل‌های ناب در نظام تربیتی دینی و قرآنی ما است.
- آیه‌ی ۴۷ - از تفضیل بنی‌اسرائیل بر همه‌ی عالمیان تا سقوط ایشان به بدترین جایگاه‌ها: طبق این آیه، بنی‌اسرائیل برترین امت در کل عالم و در همه‌ی زمان‌ها - چه قبل از خودش و چه بعد از خودش - بوده است. اما برتری مطلق بنی‌اسرائیل، نه تنها پایدار نمانده است، بلکه این گروه، از آن جایگاه والا به جایگاه بدترین امت‌ها سقوط کرده است.
- آیه‌ی ۴۷ - علت زائل شدن برتری یک امت: برتری و فضیلت بر اساس ملاکات و معیارهای مخصوص تعریف می‌شود. حال تا زمانی که آن ملاک‌ها برقرار باشد، برتری هم پابرجاست، وگرنه از بین می‌رود.
- آیه‌ی ۴۷ - ملاک‌های برتری امت پیامبر: امت پیامبر (ص) هم در قرآن به عنوان برترین امت معرفی شده است. اما این برتری هم مبتنی بر ملاک و معیار است که امر به معروف و نهی از منکر - در معنای اعلای آن یعنی برداشتن بساط منکر را از روی زمین و گستراندن بساط معروف در زمین - از جمله‌ی این ملاک‌هاست. حال اگر همین امت اسلام هم از ملاک‌های معرفی شده خالی شود، دیگر بهترین امت‌ها نخواهد بود.
- آیه‌ی ۴۷ - تفسیر دیگری برای «فضلنکم علی العالمین»: شبیه‌معنایی که برای عبارت «اصطفی علی» بیان می‌شود را می‌توان در مورد عبارت «فضل علی» هم مطرح کرد که با این تعبیر، به برتری و انحصار بنی‌اسرائیل در برخی ویژگی‌ها می‌رسیم نه برتری مطلق آنها. یک نمونه از این ویژگی‌ها، معجزات فراوانی است که برای آنها آمده است.
- آیه‌ی ۴۸ - اندازه و جایگاه شفاعت در قرآن؛ متفاوت از تصور عمومی ما: وقتی کسی با توجه قرآن بخواند، می‌فهمد که بعضی موضوعات خیلی مورد تأکید قرآن قرار گرفته و برخی دیگر کمتر. این جایگاه و وزن موضوعات باید درست فهمیده شود. مسأله‌ی شفاعت، آنگونه‌ای که مورد تصور ماست، در قرآن طرح نشده است.
- بله، قطعاً بحث شفاعت علمی و معنوی و دستگیری اهل بیت (علیهم‌السلام) از شیعیان و محبان وجود دارد و قطعاً باید مجالس روضه و توسل، با شکوه زیاد وجود داشته باشد. اما باید کسی که از مجلس روضه بیرون می‌آید به طور جدی به فکر کار و تلاش بیفتد، نه اینکه اندیشه‌ی کم‌کاری در او تقویت شود.
- آیه‌ی ۴۸ - دسته‌بندی آیات مربوط به شفاعت: در ارتباط با موضوع شفاعت، ما با سه دسته از آیات مواجه هستیم: دسته‌ی اول، آیات نفی مطلق شفاعت؛ دسته‌ی دوم، آیات نفی قبول شدن یا نفع رساندن شفاعت و دسته‌ی سوم، آیات مشروط کردن شفاعت به اذن پروردگار.
- عامل کلیدی در موفقیت پژوهش‌های قرآنی: برای بهره‌مندی موضوعی از معارف قرآن، جستجوی لغوی و لفظی کفایت نمی‌کند. بلکه عامل کلیدی، جستجوی مفهومی و کشف منظومه‌های فکری است.

## \* بخش سوم - مباحث تفسیری

### ۱- مقدمه: آیات بنی اسرائیل در قرآن

- به دلیل شباهت زیاد امت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به بنی اسرائیل، سرگذشت بنی اسرائیل و سنت‌هایی که بر آنها گذشته، بسیار برای این امت درس آموز است. لذا هم در سوره‌ی بقره و هم در جاهای دیگر قرآن، آیات زیادی به گفتگو درباره‌ی بنی اسرائیل می‌پردازد. یک نمونه‌ی بی‌نظیر از این شباهت‌ها بحث تشکیل حکومت است که در ادامه ذکر می‌شود.

#### ۱-۱- یک شباهت بی‌نظیر میان امت پیامبر (ص) و بنی اسرائیل: تشکیل حکومت

- تنها ۴ پیامبر مأمور به سیف و تشکیل حکومت بودند: حضرت داود (علیه‌السلام)، حضرت ابراهیم (علیه‌السلام)، حضرت موسی (علیه‌السلام) و حضرت محمد (ص). در مورد حضرت داود (ع) و حضرت ابراهیم (ع) حکومتی شکل نگرفته است. از بین همه‌ی انبیاء گذشته، حضرت موسی (ع) تنها پیامبری است که موفق به تشکیل حکومت شده است. لذا قرابت و شباهت ما به بنی اسرائیل از نظر بحث تشکیل حکومت، بی‌نظیر است.

#### ۱-۲- تفاوت ویژگی‌های انبیاء

- قرار نیست پیامبران اصطلاحاً کپی یکدیگر باشند. ایشان هرچند در کلیات اخلاق (مثل راستگویی) به هم شبیه‌اند، اما در ویژگی‌های گوناگون دیگری - مثلاً در برخی احکام یا بعضی خصوصیات اخلاقی - متمایزند.
- مثال: ویژگی حضور بودن و زن نداشتن برای حضرت عیسی (علیه‌السلام) و حضرت یحیی (علیه‌السلام) فضیلت محسوب می‌شود (شاید اوج کمالات برای آنها اینگونه حاصل شده است)، اما برای پیامبر خاتم (ص) و امت ایشان، زن داشتن فضیلت است و راه رسیدن به کمال را اینگونه طی می‌کنند. برای این امت، عزلت‌گزینی و رهبانیت کمال‌آفرین نیست؛ بلکه در دل آتش بودن و نسوختن، هنر است (قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِبراهیم - ۶۹ انبیا).
- به طور خاص در بحث قیام به سیف و تشکیل حکومت نیز قرار نیست که همه‌ی انبیاء چنین مأموریتی داشته باشند.

#### ۲- آیه‌ی ۴۶ (الَّذِينَ يظنون ...)

- الَّذِينَ يظنون أَنَّهُمْ مُلاقو رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ راجعون؛ [دارندگان قلب فروتن] کسانی هستند که یقین دارند دیدار کننده [قیامت و پاداش] پروردگارشان می‌باشد و قطعاً به سوی او باز می‌گردند.

## ۱-۲- یک عامل کلیدی در تربیت دینی و قرآنی: معادباوری

- معادباوری و امید داشتن به ملاقات پروردگار جزو عامل‌های ناب در نظام تربیتی دینی و قرآنی ما است.
- در نگاه دینی و قرآنی، زنده شدن ملکه‌ی تقوا و خویش‌داری در افراد، از تقویت معادباوری آنها و اعتقاد ایشان به حساب و کتاب روز جزا حاصل می‌شود. یعنی این باور که فرصت دنیا به پایان خواهد رسید و همه‌ی ما در جهان دیگری غیر از این دنیا باید در پیشگاه خداوند جواب پس دهیم که چه کرده‌ایم (... وَ لَتَنْظُرُنَّ نَفْسًا مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ... - ۱۸ حشر).

## ۲- آیه ۴۷

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ؛ ای بنی اسرائیل! نعمت‌های مرا که به شما عطا کردم و اینکه شما را بر جهانیان [ازمان خودتان] برتری دادم، یاد کنید.

### ۱-۱- از تفضیل بنی اسرائیل بر همه‌ی عالمیان تا سقوط ایشان به بدترین جایگاه‌ها

- طبق این آیه، بنی اسرائیل برترین امت در کل عالم و در همه‌ی زمان‌ها - چه قبل از خودش و چه بعد از خودش - بوده است. اما برتری مطلق بنی اسرائیل، نه تنها پایدار نمانده است، بلکه این گروه، از آن جایگاه والا به جایگاه ذلت و مسکنت (۶۱ بقره: ...ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ...؛) و جایگاه بدترین امت‌ها (۶۰ مائده: ... قُلْ هَلْ أَنْبَيْتُمْ بِشَرِّ مِّنْ ذَلِكَ...؛) سقوط کرده و مورد لعنت و غضب پروردگار قرار گرفته است (۶۰ مائده: ... مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ غَضِبَ عَلَيْهِ...).

### ۲-۳- علت زائل شدن برتری یک امت: از دست رفتن ملاک‌ها

- برتری و فضیلت بر اساس ملاکات و معیارهای مخصوص تعریف می‌شود. حال تا زمانی که آن ملاک‌ها برقرار باشد، برتری هم پابرجاست، وگرنه از بین می‌رود.

### ۳-۳- ملاک‌های برتری امت پیامبر

- امت پیامبر (ص) هم در قرآن به عنوان برترین امت معرفی شده است: (۱۱۰ آل عمران) كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...؛ اما این برتری هم مبتنی بر ملاک و معیار است.
- در ادامه‌ی همان آیه ملاک‌های برتری امت ذکر شده است: تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...؛ توجه شود که در اینجا امر به معروف و نهی از منکر هم در معنی اعلای آن منظور است؛ یعنی برداشتن بساط منکر را از روی زمین و گستراندن بساط معروف در زمین، که بر این اساس همه‌ی بحث‌های مربوط به تشکیل حکومت و اجرای احکام اسلام و ... را به دنبال خود دارد.
- حال اگر همین امت اسلام هم از ملاک‌های معرفی شده خالی شود، دیگر بهترین امت‌ها نخواهد بود.

### ۳-۴- تفهیر دیگرری برای «فَضَّلْتُمْ عَلَی الْعَالَمِینَ»: تفهیل بنی اسرائیل در برخی ویژگی‌ها

#### ۳-۴-۱- «فَضَّلَ عَلَی» شبیه «اصطفی علی»: هر دو به معنی برتری در برخی ویژگی‌ها نه برتری مطلق

○ مقدمه:

- در مورد حضرت مریم (سلام‌الله‌علیها) در سوره‌ی آل عمران داریم: انّ الله اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین (۴۲ آل عمران). عبارت آخر آیه، گاهی اینگونه معنا می‌شود که حضرت مریم (س) در بین زنان عالم برگزیده‌ترین است. از آنجا که «العالمین» هم منحصر به زمان خاصی نیست و لذا نساء العالمین همه‌ی زنان در همه‌ی زمان‌ها را در برمی‌گیرد، این شبیه پدید می‌آید که نسبت برتری حضرت مریم (س) با برتری حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) که سیده‌ی زنان عالم است، چگونه می‌شود.
- شبیه اینگونه حل می‌شود که عبارت «اصطفاک علی» به معنی برتری مطلق نیست، بلکه ممتاز و منحصر بفرد بودن در برخی ویژگی‌ها را می‌رساند. شاهد آن هم آیه‌ی ۳۳ آل عمران «انّ الله اصطفی آدم ... علی العالمین» است که در این آیه نمی‌شود همه‌ی افراد و گروه‌های ذکر شده برترین باشند. بلکه هر کدام در ویژگی خاصی ممتاز هستند.
- ممتاز بودن حضرت مریم (س) هم در این است که بدون همسر، صاحب فرزند شده است.

○ نتیجه:

- مشابه معنایی که برای عبارت «اصطفی علی» بیان شد، می‌توان در مورد عبارت «فَضَّلَ عَلَی» هم مطرح کرد که با این تعبیر، به برتری و انحصار بنی اسرائیل در برخی ویژگی‌ها می‌رسیم نه برتری مطلق آنها. یک نمونه از این ویژگی‌ها، معجزات فراوانی است که برای آنها آمده است.

### ۴- آیه‌ی ۴۸ (وَاتَّقُوا یَوْمًا...)

وَاتَّقُوا یَوْمًا لَّا تَجْزِی نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَیْئًا وَلَا یُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا یُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ یُنصَرُونَ؛ و از روزی پروا کنید که نه کسی از کسی عذاب‌ی را دفع می‌کند، و نه از کسی شفاعتی می‌پذیرند، و نه از کسی [در برابر گناهانش] فدیة و عوضی می‌گیرند، و نه [برای رهایی از آتش دوزخ] یاری می‌شوند.

- لَّا تَجْزِی نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَیْئًا: در قیامت کسی به درد کسی نمی‌خورد و کسی باری را از روی دوش کسی بر نمی‌دارد (و لا تزر وازرة وزر اخری ... - ۱۸ فاطر)

#### ۴-۱- بحث موضوعی: «شفاعت در قرآن»

- مناسبت بحث: عبارت «و لا یقبل منها شفاعة» در آیه‌ی ۴۸.
- در موضوع شفاعت دو بحث عمده مورد توجه است: یکی اثبات اصل شفاعت و دیگری ترسیم اندازه و جایگاه شفاعت در دین. در ادامه‌ی این جلسه، ابتدا مطالبی راجع به جایگاه شفاعت در دین بیان می‌شود و پس از آن، دسته‌های مختلفی از آیات قرآن که به موضوع شفاعت مربوط است، ذکر می‌گردد.

- بحث‌های تفصیلی راجع به شفاعت در جلسات بعدی مطرح خواهد شد. از جمله، باید مفهوم دقیق شفاعت بیان شود. آنگاه معلوم می‌شود که مثلاً چرا گفته شده: لا شفیع انجح من التوبه (هیچ شفیعی بالاتر از توبه نیست). اینکه توبه چگونه می‌تواند شفیع باشد، از دقت در مفهوم شفاعت روشن می‌شود.

#### ۴-۱-۱- اندازه و جایگاه شفاعت در قرآن؛ متفاوت از تصور عمومی ما

- در این بحث، باید روشن شود که چه مقدار از شاکله و منظومه‌ی دین بر پایه‌ی موضوع شفاعت بنا شده است؟
- آیا جایگاه شفاعت، آنگونه است که عموم ما شیعیان تصور و فهم می‌کنیم؟ یعنی شفاعتی که از دل آن جرأت بر گناه و کم‌کاری بیرون می‌آید؟ شفاعتی که مثل یک میانبر همه چیز را دور می‌زند و کلیه‌ی اشکالات ما را چه در دنیا و چه در آخرت حل می‌کند؟ شفاعتی که انگیزه‌ی کار و تلاش را از ما می‌گیرد و موجب تجرّی می‌شود؟ این شبیه تصویری است که یهود نسبت به قیامت دارد و می‌گوید ما - اگر هم به جهنم برویم - جز روزهای اندکی در آنجا نخواهیم ماند و زود بیرون می‌آییم: و قالوا لن تمسنا النار ... (۸۰ بقره)
- بر اساس فهم کلی که از قرآن استنباط می‌شود و پیامی که از ادبیات رایج قرآن فهمیده می‌شود، چنین وزنی را برای شفاعت نمی‌توان قائل شد. در واقع وقتی کسی با توجه قرآن بخواند، می‌فهمد که بعضی موضوعات خیلی مورد تأکید قرآن قرار گرفته و برخی دیگر کمتر (هر چند در روایات ممکن است نوع پرداختن به موضوعات متفاوت از قرآن باشد). این جایگاه و وزن موضوعات باید درست فهمیده شود. مثلاً معلوم است که بحث توجه به قیامت و معادباوری نقش ویژه‌ای در نظام تربیتی قرآن دارد یا مثلاً احترام به والدین خیلی مورد تأکید قرآن قرار گرفته است. اما مسأله‌ی شفاعت، آنگونه‌ای که مورد تصور ماست، در قرآن طرح نشده است.
- بلکه، قطعاً بحث شفاعت علمی و معنوی و دستگیری اهل بیت (علیهم‌السلام) از شیعیان و محبان وجود دارد و قطعاً باید مجالس روضه و توسل، با شکوه زیاد وجود داشته باشد. اما باید کسی که از مجلس روضه بیرون می‌آید به طور جدی به فکر کار و تلاش بیفتد، نه اینکه اندیشه‌ی کم‌کاری در او تقویت شود.
- حرف اینجاست که آن نتایجی که از فهم ما از موضوع شفاعت بیرون می‌آید (مثل تجرّی بر گناه یا تنبلی)، با حرف‌های کلیدی قرآن خیلی فاصله دارد. مثلاً خوب است به آیه‌ی ۱۲۳ نساء - به عنوان یک آیه‌ی ناب در این بحث - توجه کنیم. این آیه می‌فرماید که قاعده‌ی کار خدا نه طبق آرزوهای شماست و نه آرزوهای اهل کتاب (معلوم می‌شود که اهل کتاب هم از این جنس تصورات نادرست دارند)؛ قاعده‌ی کار این است که هر کس کار بدی انجام دهد، جزای آن را می‌بیند: لیس بأمانیکم و ... بنابراین اگر می‌خواهیم در کارها به نتیجه برسیم، باید درست عمل کنیم. مثلاً در حوزه‌ی حکومت‌داری اگر درست به وظایف‌مان عمل نکنیم و کم‌کاری به خرج دهیم، نه تنها انتظار فتح میدان‌های جدید را نباید داشت، بلکه پایگاه‌های موجود هم یکی پس از دیگری از دست خواهد رفت.<sup>۱</sup>

#### ۴-۱-۲- دسته‌بندی آیات مربوط به شفاعت

<sup>۱</sup> حجت‌الاسلام قاسمیان اخیراً سفری تبلیغی به کشور تایلند داشته‌اند که در انتهای جلسه گزارشی از سفرشان ارائه کرده‌اند. یکی از تأکیداتان ایشان این است که ما در کشورهایی مثل تایلند کم‌کاری می‌کنیم و در عوض وهابیون بسیار جدی مشغول کار هستند و اگر به همین شکل ادامه یابد، طی چند سال آینده مرتباً بر قدرت و نفوذ وهابیت افزوده شده و موجبات تضعیف سایر مسلمانان، خصوصاً شیعیان فراهم می‌گردد.



○ در ارتباط با موضوع شفاعت، ما با سه دسته از آیات مواجه هستیم که در ادامه ذکر می‌شود. در این جلسه صرفاً این دسته‌بندی معرفی می‌شود. اما بحث‌های تکمیلی و پاسخ دادن به شبهاتی که در این خصوص وجود دارد، در جلسات آتی بیان خواهد شد.

#### ۴-۱-۲-۱- دسته‌ی اول: آیات نفی مطلق شفاعت

- این دسته از آیات بیان می‌دارد که در روز جزا هیچ شفاعتی در کار نیست.
- توجه: این آیات با آیات دیگر تقیید می‌خورد و از اطلاق در نفی می‌افتد، اما نکته اینجاست که بیان عام به خودی خود مهم است و دارد فرهنگی را منتقل می‌کند. بنابراین باید به فرهنگی که در نظر اول، از این آیات منتقل می‌شود توجه کرد - اینکه روزی فرا می‌رسد که شفاعتی وجود ندارد.
- مثال از آیات این دسته - ۲۵۴ بقره: یا ایها الذین آمنوا ... این آیه، هر گونه خرید و فروش و رفاقت و شفاعتی را در روز جزا صراحتاً نفی می‌کند. نکته هم اینجاست که خطاب آیه به مؤمنان است نه کفار؛ لذا نمی‌توان گفت که شفاعت را صرفاً برای کافران رد کرده، نه مؤمنان.

#### ۴-۲-۱-۲- دسته‌ی دوم: آیات نفی قبول شدن یا نفع داشتن شفاعت

- این دسته از آیات، شفاعت را به طور مطلق نفی نمی‌کند، اما قبول شدن یا نفع رساندن آن را رد می‌کند.
- مثال ۱ - همین آیه‌ی ۴۸ سوره‌ی بقره: ... و لا یقبل منها شفاعه ...
- مثال ۲ - آیه‌ی ۴۸ سوره‌ی مدثر: فما تنفعهم شفاعه الشّافعین

#### ۴-۲-۱-۳- دسته‌ی سوم: آیات مشروط کردن شفاعت به اذن پروردگار

- بر اساس این دسته از آیات شفاعت جز با اذن پروردگار ممکن نیست.
- مثال - آیه‌ی الکرسی: ... من ذا الذی یشفع عنده الا بأذنه ...
- سؤال: آیا می‌توان آیات این دسته را دلیل قطعی بر اثبات شفاعت دانست؟

● پاسخ: خیر، دلیل قطعی محسوب نمی‌شود. یعنی از این آیات نمی‌توان نتیجه گرفت که اذن شفاعت حتماً به عده‌ای داده خواهد شد و لذا بحث شفاعت قطعی است؛ بلکه به عکس، مطرح کردن شرط اذن و مشیت الهی در مورد یک موضوع، اتفاقاً می‌تواند به معنی «تأکید بر نفی آن» باشد. دو مثال از تأکید بر نفی در ادامه ذکر می‌شود:

● مثال ۱ - آیه‌ی ۱۰۸ سوره‌ی هود: ... خالدین فیها ... الا ما شاء ربّک ... : این آیه نمی‌خواهد بگوید که جاودانگی بهشتیان منوط به مشیت الهی است و ممکن است روزی خداوند اراده کرده و آنها را از بهشت بیرون کند. بلکه غرض از مشروط کردن این عطا به مشیت خداوند، «بیان اقتدار» حضرت حق است و نهایتاً مفهوم آن این است: مگر اینکه پروردگار تو بخواهد و پروردگار تو هم هیچگاه نمی‌خواهد. شاهد آن هم فقره‌ی انتهای آیه است که می‌فرماید: ... عطاء غیر مجذوذ؛ یعنی بهشت جاودان، عطایی است پایان‌ناپذیر و قطع‌ناشدنی.

- مثال ۲ - آیات ۶ و ۷ سوره‌ی اعلی: سنقرئک فلا تنسی آلا ما شاء الله ... . این آیات هم بیان می‌کند که ای پیامبر تو فراموش نمی‌کنی، مگر آنکه خدا بخواهد و خدا هم هیچگاه نمی‌خواهد. منتها مطلب را اینگونه بیان کرده تا تفاوت فراموش نکردن پیامبر با فراموش نکردن خدا (... و ما کان ربک نسیاً - ۶۴ مریم) معلوم شود و اقتدار و شأن رفیع پروردگار بیان گردد.

## ۵- نکته‌ای راجع به فن تفسیر قرآن

### ۵-۱- عامل کلیدی در موفقیت پژوهش‌های قرآنی: توجه جدی به جستجوی مفهومی در کنار جستجوی لغوی

○ برای بهره‌مندی موضوعی از معارف قرآن، جستجوی لغوی و لفظی کفایت نمی‌کند. بلکه عامل کلیدی، جستجوی مفهومی و کشف منظومه‌های فکری است.

- مثال ۱: در مورد موضوع «ولایت» - به معنی ولایت انسان‌ها بر یکدیگر نه ولایت خداوند بر بندگان - اگر بخواهیم صرفاً از طریق آیاتی که مستقیماً به بحث ولایت پرداخته و واژه‌هایی چون «ولی» در آنها بکار رفته (مانند انما ولیکم الله ... - ۵۵ مائده) استدلال کنیم، کار دشوار می‌شود. چراکه دلالت آنها بر موضوع، یک بحث اجماعی و مورد اتفاق همگان نیست. لذا باید سراغ جستجوی مفهومی رفت که در جلسات تفسیر سوره‌ی مائده مفصلاً به موضوع ولایت با این رویکرد پرداخته شده است.
- مثال ۲: در مورد موضوع «شفاعت» اگرچه به شکل واژگانی هم در قرآن ذکر شده، اما به صورت مفهومی نیز آیاتی که بر مفهوم شفاعت دلالت می‌کنند داریم. لذا اگر کسی به جستجوی واژگانی اکتفا کند، نمی‌تواند به چنین آیاتی برسد و جمع‌بندی دقیقی از بحث نخواهد داشت.

صلوات!